

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين

فقه السياسات (والاحكام بالمعنى الاخص) / فقه القضاء

در برخی از تقسیمات مرتبط با مباحث فقه، مباحث آن را به چهار قسم تقسیم کرده اند؛ بدین قرار: عبادات، عقود، ایقاعات و سیاسات (احکام بالمعنی الاخص).^۱

در بخش سیاسات عمدتاً از قضا، شهادت، حدود، قصاص، دیات و تعزیرات گفتگو کرده اند. واضح است که فقه سیاسات با این نگاه، غیر از فقه السیاسة (= فقه سیاسی) است؛ هر چند برخی از مسائل آن با فقه السیاسة مشترک است.

هدف ما از گفتگوی حاضر، بیان اجتهادی این بخش از فقه با شروع از کتاب القضاء با محوریت «تکملة المنهاج» فقیه محقق آیت الله خوئی است؛ هر چند تلاش می شود از مسائل نسبتاً روشن و واضح عبور (یا سریع تر عبور) شود و در مقابل به مسائل دیگری مرتبط با کتاب القضاء و آیین دادرسی پرداخته شود.

برخی از این مسائل از این قبیل است:

بخشی از مسائل مورد نظر

۱. مفهوم شناسی و گستره شناسی «قضا» و حدود نفوذ آن

گستره و حدود قضا تا کجا است؟ آیا داوری در مصالح عامه مردم و در حدود، قصاص و تعزیرات داخل در گستره قضا است؟ آیا مدیر مدرسه، کارخانه، اداره، هیأت منصفه، اعضای شورای حل اختلاف، پلیس که جریمه می کند، کمیته انضباطی، فرماندهان ارتش در وقتی تنبیه یا فصل خصومت می کنند، ماهیت کار آنها، ماهیت قضایی است؟ آیا باید شرایط قضایی مقرر در متون دینی را دارا باشند؟

اگر نه، چرا؟ آیا نهی از منکر یا امر به معروف - حداقل در برخی مراحل آن - ماهیت قضایی دارد و مباشر یا سبب برای نهی و امر باید قاضی - با شرایط ویژه ای که بر خواهیم شمرد - باشد؟ نیروهای اطلاعاتی و ضابطین قضایی چطور؟^۲

۱. شهید اول، ذکری الشیعة، ص ۷۰۶.

۲. البته برخی از این فروع، در مسائل بعد مورد گفتگو واقع می شود.

۲. مشروعیت و اعتبار تجدید نظر در دادرسی (رای بدوی و تجدید نظر)؛
۳. تعدد قاضی، قضاوت جمعی و شورایی؟؛
۴. قضاوت غیر مشروع و بررسی احکام وضعی و تکلیفی مرتبط با آن؛
۵. فرایند اجرای احکام قضایی و اقدامات تامینی و تربیتی؛
۶. شرایط قاضی در شریعت مطهر؛
۷. حجت معیار برای قاضی در سیستم قضاوت متمرکز و مدرن؛ وظیفه قاضی در وقت مخالفت مفاد قانون با حجت معتبر نزد قاضی چیست؟ حجت معیار و فتوای معیار برای قاضی کدام است؟
۸. وظیفه قاضی در وقت اشکال یا شبهه نسبت به فرایند تشکیل پرونده قضایی؛
۹. ورود مقام قضایی به مرحله تحقیق و تفتیش؛
۱۰. هیأت منصفه و نهاد ناظر قضا؛
۱۱. گستره شناسی مشروعیت توکیل و تولیت با محوریت این دو در قضا؛ آیا قضا قابل واگذاری به غیر است در وقتی که غیر، شرط اجتهاد را ندارد؟
۱۲. آیا در نظام قضایی اسلام، سیستم خاصی چون سیستم حاکمیت ادله و امارات قانونی یا سیستم دلایل معنوی وجود دارد؟ آیا در این باره می توان به قراری رسید؟ علم و اطمینان قاضی در این پیوند چه وضعیتی دارد؟
۱۳. تکثر گرایی در نظام قضایی و کیفری اسلام و سیاست کیفری افتراقی / مجازات های تبعی و تکمیلی؛
۱۴. منابع مالی قضا و پیرا قضا / اخذ اجرت بر واجب و تبلیغ دین / رشوه؛
۱۵. مصونیت قضایی و کیفری دیپلماتیک و غیر آن؛
۱۶. استناد قضایی به معاهدات بین المللی در نظام قضایی اسلام؛
۱۷. استناد قضایی و کارشناسانه به ابزارهای نوین و گستره جواز؛
۱۸. شفافیت، قاطعیت، رسمیت، سرعت واقناع در فرایند و برآیند احکام قضایی؛
۱۹. دادرسی غیایی؛
۲۰. الحاکم ولی الممتنع.

واضح است که مسائل فوق به فروع زیادی تجزیه می شود. در گفتگو از هر کدام، به فروع آن ها - تا حد لازم - اشاره می شود. صبغه گفتگوها، فقهی متناسب با درس خارج است و از مباحث فلسفی (فلسفه مضاف) یا در قالب پژوهشی محض پرهیز می شود.

طبیعی است میتوان مسائل زیادی را به جمع حاضر افزود و در مجالات مناسب از آنها گفتگو کرد.